



توسعه دریایی

رویکرد توسعه دریامحور در برنامه پنجم توسعه

قدرت دریایی ایران در سال ۱۴۰۴

سیاوش دانیالی

زمانی که سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد، چشم‌اندازی که ایشان از ابلاغ این برنامه داشتند؛ کاملاً مطابق با موازین برنامه راهبردی ایران ۱۴۰۴ بود به نحوی که می‌توان رویکرد توسعه همه جانبه کشور را در بندها و زیربندهای آن به وضوح مشاهده کرد.

یکی از رویکردهای توسعه کشور که به جرأت باید آن را سر منشأ دیگر جنبه‌های توسعه دانست- به خصوص در مورد کشوری مانند ایران که قابلیت دسترسی به آب‌های آزاد و توان بالفعل و بالقوه بی‌مانندی در تسلط بر و بهره‌برداری از مناطق ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال دارد- توسعه از طریق دریا یا توسعه دریامحور است، که سه مؤلفه اساسی آن یعنی ابزار، اهداف و روش‌های آن منوط به شناخت و بهره‌برداری همه جانبه از دریا یا به عبارت دیگر دریایی بودن است.

نگهداری و مصرف آن و مهار آب‌هایی که از کشور خارج می‌شود با اولویت استفاده از منابع آب‌های مشترک؛

- سرمایه‌گذاری در استحصال و استخراج گاز، نفت و معادن مشترک با کشورهای همسایه با رعایت سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛
- گسترش همه‌جانبه همکاری با کشورهای منطقه جنوب‌غربی آسیا در تجارت، سرمایه‌گذاری و فناوری؛

- تأکید بر راهبرد توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا (به نحوی که کسری تراز بازرگانی بدون نفت کاهش یافته و توازن در تجارت خدمات ایجاد شود).

- تقویت همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه؛

- تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم؛

- بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی؛
- تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی؛

- سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی با هدف تأمین عدالت، صلح و امنیت جهانی؛

- ارتقاء نقش مدیریتی ایران در توزیع و ترانزیت انرژی، افزایش فرصت‌های صادراتی، جذب سرمایه و فناوری‌های پیشرفته و کمک به استقرار نظام پولی، بانکی و بیمه‌ای مستقل با کمک کشورهای منطقه‌ای و اسلامی و دوست با هدف

ایران در طول تاریخ پر افتخار خود زمانی بزرگ‌ترین قدرت شناخته شده دریایی جهان بود و در دوره‌های نیز دریا و تصور دسترسی به آن سوی آن را از دور دست و با حسرت می‌نگریست. اگرچه این فراز و نشیب‌ها با شدت و ضعف در تاریخ کشور ما وجود داشته؛ اما هیچگاه انگیزه دریایی بودن و دریایی ماندن از اراده ملت بزرگ ایران محو نشده است.

اکنون ایران در صدد است تا به عنوان قدرتی دریایی به حساب آید و این امر تابعی از اراده، همت و تلاش ملت، دولت مردان و مسئولان آن است که می‌توانند کفه ترازو را به نفع خود تغییر دهند.

با نگاهی گذرا به سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور می‌توان به مواردی برخورد که گویای عمق تأکید بر توسعه دریامحور است از جمله:

- دستیابی به فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز؛
- بهبود فضای کسب و کار کشور با تأکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطرپذیری‌های کلان اقتصادی و ارائه مستمر آمار و اطلاعات به صورت شفاف و منظم به جامعه؛

- تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و الزامات مربوط به هر یک از بندها با تأکید بر حمایت از شکل‌گیری بازارهای رقابتی؛

- توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست‌محیطی آب با تسریع در استحصال، عرضه،

تقویت همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی، تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی و... بر توسعه دریامحور تأکید دارد.





امنیت سیاسی، اقتصادی و نظامی تحت تأثیر شدید دریایی است و لطمه به امنیت دریایی آسیب به هر یک از آنها خواهد بود.



حاکمیت نظامی ناشی از سیاست‌های دفاعی قابل اعمال توسط دولت است و شاید مجموعه اقداماتی باشد که در قالب امور دفاعی و نظامی برای حفظ و ارتقای منافع ملی یک کشور در دریا و ناشی از آن صورت می‌گیرد.

منافع حاصل از آن، از دیدگاه آنان متفاوت باشد. بنابراین باید تعریفی ابتدایی را ایجاد و سپس بحث را دنبال کرد. برای ایجاد این تعریف نیز ابتدا باید عواملی را که دریا در ساختار امنیت و منافع ملی یک کشور با آنها ارتباط دارد، بر شمرد. هر یک از این عوامل در تعریف قابل ارائه جایگاهی خاص خواهند داشت، بنابراین ابتدا به بیان هر یک از این عوامل می‌پردازیم:

■ حاکمیت سیاسی

در اصل منظور از سیاست در اینجا توانایی اعمال حاکمیت سیاسی یک کشور بر آبهای تحت حاکمیت به منظور حفظ منافع ملی کشور و ارتقای آنان است، بنابراین سیاست خارجی یک کشور باید به سمتی باشد که اهداف مذکور را پشتیبانی و هدایت کند؛ محصل اجرای درست آن هم استقلال سیاسی در عرصه دریاست.

■ حاکمیت اقتصادی

منظور از امنیت اقتصادی در اینجا محیطی است که در آن سیاست اقتصادی قابل اعمال توسط دولت‌ها از دریا به عنوان ابزاری برای بالا بردن درآمد و کسب سرمایه استفاده کند، پس سیاست اقتصادی یک کشور نیز مانند سیاست خارجی آن باید مبتنی بر پیشرفت در ارتقای سطح درآمد ملی ناشی از دریا باشد.

■ حاکمیت نظامی

حاکمیت نظامی ناشی از سیاست‌های دفاعی قابل اعمال توسط دولت است و شاید مجموعه اقداماتی باشد که در قالب امور دفاعی و نظامی برای حفظ و ارتقای منافع ملی یک کشور در دریا

کاهش وابستگی به سیستم پولی نظام سلطه؛ ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای با تأکید بر:

■ کسب دانش و فناوری‌های نو و نرم‌افزارهای پیشرفته دفاعی و نوسازی و بازسازی صنایع دفاعی، افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های صنعتی کشور

■ گسترش پدافند غیراعمال

■ امنیت پایدار مناطق مرزی و کنترل مؤثر مرزها^۱

کشورهای دریایا پاره برای آنکه بتوانند دریامحوری را به عنوان اصلی‌ترین دغدغه و عامل پیشرفت و توسعه همه جانبه مورد توجه قرار دهند، به تعریف و تدوین مفاهیمی نو برای طرح‌ریزی مبانی توسعه خود نیاز دارند.

یکی از مهم‌ترین مبانی توسعه دریایی، امنیت دریایی است. این واژه شاید از نظر دسته‌بندی نتواند در کنار دیگر عناوین مرتبط قرار گیرد، اما تقریباً جایگاه آن در امنیت ملی ارتباطی تنگاتنگ با اکثر این عناوین دارد، به طور مثال امنیت سیاسی، اقتصادی و نظامی تحت تأثیر شدید از امنیت دریایی است و لطمه به امنیت دریایی آسیب به هر یک از آنها خواهد بود.

شاید تعریف قابل دسترسی برای امنیت دریایی وجود نداشته باشد یا اگر هم وجود داشته باشد بسته به دیدگاه مصادر هر تعریف از این مقوله و

و ناشی از آن صورت می‌گیرد.

■ حاکمیت ژئوپولیتیک

جغرافیای سیاسی یا همان ژئوپولیتیک اهمیت جغرافیایی یک کشور برای اعمال سیاست‌های خود یا به عبارتی استفاده بهتر از ابزار جغرافیا برای حفظ یا ارتقای منافع ملی است؛ البته این عامل بسته به موقعیت هر کشور ارزشی متفاوت دارد.

اینک با توجه به آنچه در بالا به عنوان مؤلفه‌های امنیت دریایی آمد می‌توان امنیت دریایی را «توانایی یک کشور در به کارگیری مطلوب و بهینه مؤلفه‌های حاکمیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپولیتیک که حاصل آن امنیت دریایی کشور و دستیابی به هدف حفظ و ارتقای منافع ملی است.» تعریف کرد.

با برقراری امنیت کامل دریایی وجوه ملموس‌تری به عنوان مفاهیم دیگر امنیت مرتبط با امنیت دریایی به وجود خواهند آمد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

■ امنیت حمل‌ونقل

ابزار حمل‌ونقل در امنیت دریایی به مثابه رگ‌های حیاتی پیکر انسان است، پس هر چه زیرساخت حمل‌ونقل دریایی یک کشور پیشرفته‌تر و گسترده‌تر باشد؛ امنیت و منافع حاصل از آن در دریا بیشتر و گسترده‌تر خواهد بود. البته توانایی استفاده کشور از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دیگر کشورها در عرصه حمل‌ونقل نیز در این راستا قابل توجه است.

■ امنیت تجارت و بازرگانی

تجارت و بازرگانی در تعریف عبارت است از مبادله کالا و خدمات یک کشور با کشورهای دیگر از راه‌های مختلف و ابزار گوناگون در ازای دریافت وجه یا کالا و خدمات دیگر که خود انواع مختلف دارد. یکی از این راه‌ها، دریاست البته باید تأکید کرد که قدرت تجاری و بازرگانی هر کشور خود تابع چند عامل دیگر مانند اقتصاد، حمل‌ونقل و... است.

■ امنیت انرژی و خطوط انتقال آن

امنیت انرژی به عرضه مداوم و مطمئن با قیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی باز می‌گردد. کسانی که از این واژه استفاده می‌کنند به دنبال آن هستند که تهدیدات ژئوپولیتیک، اقتصادی، تکنیکی، زیست‌محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را کم کنند. اما هدف از کاربرد این واژه توسط سیاست‌مداران ناظر بر این موضوع است که:

- ۱- دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد.
- ۲- این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی منابع و

همچنین مسیرهای انتقال داشته باشند.

۳- جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تأمین شوند که احتمال ثبات و عدم تغییر در حکومت‌های آنان درازمدت و طولانی باشد.

بنابراین مصرف‌کنندگان نفت و گاز، امنیت انرژی را از دیدگاه خود مطرح می‌کنند. طبیعی است که تولیدکنندگان نیز به دنبال تعریف خاص خود از این مفهوم باشند. امنیت انرژی برای تولیدکنندگان در آن است که به یک بازار مداوم و همراه رشد منطقی در آینده دسترسی داشته باشند.

■ امنیت زیست‌محیطی

محیط‌زیست عبارت است از مجموعه جانداران یک محیط به همراه کلیه عوامل تشکیل‌دهنده آن و از آنجا که دریا تفاوتی ماهوی با خشکی دارد و عوامل تهدیدکننده امنیت محیط‌زیست در دریا نیز با خشکی متفاوت است، بنابراین امنیت زیست‌محیطی دریا برای پایان روند افزایش منافع ملی در دریا در کلیه سطوح آن ضروری است.^۲

■ امنیت کسب و کار از طریق دریا و بهره‌برداری از منابع شیلات و آبزیان

در این امر که تقریباً تمامی درآمد مردم ساحل‌نشین و اهالی استان‌های ساحلی کشور ما از طریق دریا حاصل می‌شود شکی نیست، پس امنیت کسب و کار از طریق دریا از منظر اشتغال‌زایی و روان‌سازی عناصر زندگی جوامع مرتبط با حوزه دریا اهمیت بسزایی دارد، زیرا هر یک از اجزای جوامع به طریقی با دریا وابسته هستند و از نعمات و مواهب طبیعی و... آن استفاده می‌کنند، بنابراین وجود امنیت برای ادامه حیات آنان در عرصه دریا ضروری و لازم است و این امر نیز در مورد سازمان‌های دولتی و مردم نهاد و تعاونی‌های مرتبط با شیلات و آبزیان نیز کاملاً صادق و واضح است.

قدرت دریایی و نقش آن در ایجاد امنیت دریایی برای توسعه دریا محور

قدرت دریایی از مهم‌ترین ابزار ایجاد امنیت دریایی است که عوامل گوناگونی مانند ناوگان غیرنظامی و نظامی را در بر می‌گیرد. این عوامل لازم و ملزوم یکدیگرند که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در جنگ جهانی دوم و جنگ فاکلند مشاهده کرد.

هر یک از این عوامل در برخورد با تهدیدات امنیت ملی کارایی و اثربخشی خاص خود را دارند و در ترکیب با هم می‌توانند این اثربخشی و کارایی را چند برابر کنند. به این منظور هرگاه واژه تهدید مطرح می‌شود، در وهله اول بحث امنیت ملی به میان می‌آید. تهدید در ماهیت خود انواع، سطوح، گستره و وسعت و طیف‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و نظامی دارد. اما آنچه از همه مهم‌تر و در دستور کار امنیتی کشورها

قدرت دریایی از مهم‌ترین ابزار ایجاد امنیت دریایی است که عوامل گوناگونی مانند ناوگان غیرنظامی و نظامی را در بر می‌گیرد.



جایگاه خلیج فارس و نقش آن در حیات جمهوری اسلامی ایران، زمانی ارزش خود را بیشتر نشان می‌دهد که به این نکته توجه شود که اقتصاد ایران تا ۸۰ درصد به خلیج فارس و تنگه هرمز وابسته است.



هر چه زیرساخت حمل و نقل دریایی یک کشور پیشرفته تر و گسترده تر باشد؛ امنیت و منافع حاصل از آن در دریا بیشتر و گسترده تر خواهد بود.

000

ایران، عمده ترین تهدید حال و آینده هستند و مبنای استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران پاسخ به این تهدیدات عمده خواهد بود. تهدید کشورهای همجوار در چارچوب استراتژی و منافع ایالات متحده آمریکا و در قالب تهدید این کشور و به ندرت تهدید مستقلاً از سوی کشورهای همسایه در آینده قابل پیش بینی است. اما باید دید که رابطه تهدیدات علیه ایران و منطقه خلیج فارس به چه دلیل است؟ در پاسخ باید گفت: اگر چه تهدیدها می توانند از هر ناحیه ای علیه کشور به وقوع بپیوندند، اما یکی از الزامات تعیین کننده در عملی شدن تهدیدات، استراتژی دفاعی و نظامی دشمن است. از آنجا که قدرت دفاعی و نظامی آمریکا بر اساس ظرفیت های دریایی این کشور سامان یافته، بنابراین استراتژی نظامی این کشور، استراتژی "دریا- پایه" (Sea-Base) است.

تاریخ چند دهه اخیر آمریکا نشان می دهد که اتکای اصلی این کشور در دیپلماسی (نظیر دیپلماسی قایق های توپدار)، درگیری های نقطه ای، درگیری های محدود و موضعی (نظیر بمباران یا اشغال مناطق محدود) و جنگ های تمام عیار، همگی بر دوش قدرت دریایی این کشور استوار بوده است. خاصه در جنگ های سال های ۱۹۱۹ و ۲۰۰۳ علیه عراق، جنگ ۲۰۰۱ علیه افغانستان و جنگ ۱۹۹۴ علیه یوگسلاوی سابق از این قاعده به صورت تام پیروی شده است. در سایر درگیری های کوچک نظیر حمله به پاناما و سومالی در سال ۱۹۹۳ و سایر موارد مشابه نیز از همین الگو تبعیت شده است.

اینجاست که قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران به عنوان خط مقدم استراتژی دفاعی و

قرار دارد، تهدیدات سخت علیه امنیت ملی کشورهاست. امنیت ملی نیز در ماهیت خود ابعاد فردی و جمعی مشخصی دارد که به شاخه های امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روانی و امنیت نظامی قابل تقسیم و تعمیم است. برای تهدید می توان ملاک ها و معیارهای متعددی را برشمرد که وجود هر یک از آنها اقدام رقیب را به مثابه تهدید جلوه گر می سازد. برای نمونه شاید بتوان موارد زیر را در این مقوله جای داد:

الف- همراه با اراده سیاسی باشد.
ب- در آن از قدرت قهریه (سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی) بهره گیری شود.
پ- در آن منافع و امنیت ملی یک کشور هدف قرار گرفته باشد.
ت- اکثر ملت آن را به عنوان یک خطر احساس کنند.

ث- ملت حاضر باشند در مقابله با آن، بخشی یا تمام توان خود را به کار گیرند.

ج- دولت آن را به عنوان یک خطر مورد توجه قرار دهد.

چ- عواقب و پیامدهای منفی زیادی بر امنیت ملی داشته باشد.

تفاوت عقیدتی عمیق میان جمهوری اسلامی ایران، نظام های غربی و متحدین آنها در حوزه های منطقه ای و فرامنطقه ای، یکی از چالش های عمده نظام ما با نظام های لیبرال و سرمایه داری غربی و سوسیالیستی شرقی است که باعث شده تا شرق و غرب از ابتدا تاکنون در برابر آن موضع گیری کنند.

در راستای تعریف و تعیین تهدیدات، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان دشمنان مسلم و اجتناب ناپذیر جمهوری اسلامی

کشور) و در مجموع ۲۷۹۵ کیلومتر (۳۱/۷ درصد کل مرزهای کشور) مرز دریایی و ۱۹۱۸ کیلومتر (۲۱/۷ درصد کل مرزهای کشور) مرز باتلاقی، دریاچه‌ای و رودخانه‌ای دارد و از جمله کشورهایی است که دارای چهار ارزش ژئوپلیتیکی هم‌زمان و مکمل:

۱- موقعیت بری منحصر به فرد (قرار گرفتن در کانون هارتلند خلیج فارس)؛

۲- موقعیت ساحلی منحصر به فرد (به دلیل داشتن سواحل طولانی)؛

۳- موقعیت گذرگاهی منحصر به فرد (به دلیل همجواری با تنگه هرمز و قابلیت کنترل آن)؛

۴- موقعیت استراتژیک (ژئواستراتژیک) به دلیل جایگاه جهانی خود در استراتژی‌های امنیتی و نظامی منطقه‌ای و جهانی است.

به دلیل وجود همین مشخصات منحصر به فرد است که ایران باید قدرت دریایی در ابعاد نظامی و غیرنظامی داشته باشد زیرا علاوه بر طولانی بودن سواحل کشور، عوامل بسیار دیگری وجود دارند که ایران را به عنوان یک قدرت بحری بالقوه درآورده‌اند و مسئله مهم این است که آن را به حالت بالفعل درآورد.

موقعیت ممتاز جهانی، شکاف عمیق نظام سیاسی با نظام‌های سلطه‌جوی غربی، وابستگی وسیع حیات ملی به منطقه خلیج فارس، نگرانی‌های کنونی و آینده نسبت به امنیت و ثبات کشور و منطقه، وجود انواع تنش‌ها در محیط امنیتی پیرامونی، حضور گسترده غرب و خاصه آمریکا در آب‌های منطقه خلیج فارس، سواحل جنوبی و جنوب غربی آن و بسیاری دیگر از مسائل مهم وجود دارد که ایران را به سمت تشکیل یک قدرت دریایی سوق می‌دهد. این قدرت باید بر دو بال نظامی و غیرنظامی متکی بوده و بتواند منافع ملی کشور را در صحنه دریا محافظت کند. از سوی دیگر این نیرو باید بتواند مأموریت‌های زیر را در عرصه اهداف و منافع ملی کشور در مرزهای دریایی جنوب انجام دهد:

الف- نمایش اقتدار و حضور (بازدارندگی و دفاعی)

ب- کسب آمادگی و ارتقای توان رزم (توسعه و تقویت روزافزون اقتدار دریایی)

پ- آمایش و گسترش (پوشش موقعیت‌های آسیب‌پذیر یا افزایش صحنه حضور)

ت- دکترینال و استراتژی (توسعه مفاهیم در حوزه مبانی نظری که زیربنای طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی نیرو هستند نظیر دکترین، استراتژی، طرح‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها)

ج- آموزش و پرورش (توسعه نیروی انسانی) ایفای چنین مأموریت‌های مهمی در عرصه خلیج فارس که صحنه حضور پر تنش دریایی

نظامی کشور، نقش خود را آشکار می‌سازد. خاصه در تدابیر و بیانات مقام معظم رهبری، این مسئله به خوبی تبیین شده و به عنوان سیاستی دفاعی و استراتژی نظامی، مد نظر قرار گرفته است. ایشان در بخشی از بیانات و تدابیر خود می‌فرمایند: «هم‌اکنون که چهار گوشه کشور را از نظر تهدید مورد بررسی قرار می‌دهیم، دریا در اولویت اول قرار دارد.» یا در جای دیگری می‌فرمایند: «اینجا (خلیج فارس) یک منطقه عملیاتی است، داریم دارد ناو اینجا عبور می‌کند. تهدید، تهدید صد در صد بالقوه نیست، بالقوه شبیه بالفعل است، ما باید با امکانات خودمان بهترین استفاده را بکنیم.»

جایگاه خلیج فارس و نقش آن در حیات جمهوری اسلامی ایران، زمانی ارزش خود را بیشتر نشان می‌دهد که به این نکته توجه شود که اقتصاد ایران تا ۸۰ درصد به خلیج فارس و تنگه هرمز وابسته است. نه تنها حیات اقتصادی ایران که حیات اقتصادی همه کشورهای منطقه و اقتصادهای دنیای صنعتی (اعم از شرق و غرب) به آن وابسته است.

همچنین نقش و جایگاه قدرت دریایی کشور زمانی بهتر خود را نشان می‌دهد که بدانیم جمهوری اسلامی ایران حدود ۲۰۴۵ کیلومتر مرز دریایی در جنوب (حدود ۲۷/۲ درصد کل مرزهای کشور)، ۷۹۵ کیلومتر مرز دریایی در شمال (۸/۵ درصد کل مرزهای کشور)، ۸۸ کیلومتر مرز باتلاقی (حدود یک درصد کل مرزهای کشور)، ۱۸۳۰ کیلومتر مرز رودخانه‌ای (۲۰/۷ درصد کل مرزهای

یکی از فرصت‌های موجود برای ناوگان نظامی کشور، ناوگان غیرنظامی جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند مکمل خوبی برای ایفای بهتر نقش ناوگان نظامی در ایجاد و تثبیت امنیت دریایی باشد.





کشورهای دریایا پیه برای آنکه بتوانند دریامحوری را به عنوان اصلی‌ترین دغدغه و عامل پیشرفت و توسعه همه جانبه مورد توجه قرار دهند، به تعریف و تدوین مفاهیمی نو برای طرح‌ریزی مبانی توسعه خود نیاز دارند.



دست‌اندرکار توسعه و پیشرفت کشور به ویژه نقش دو ناوگان نظامی و غیرنظامی در توسعه دریامحور، امید است در تعریف راهکارهای ایجاد توسعه دریامحور، نقش قدرت دریایی نظامی همانند آنچه در صدور قطعنامه هفدهمین همایش ارگان‌های دریایی کشور رخ داد، نادیده گرفته نشود.

موضوع دیگری که به نظر می‌رسد توجه به آن لازم و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ این است که نخبگان مسائل دریایی کشور با تأکید بر اهمیت نقش دریا، توسعه زیرساخت‌های دریامحور و وظیفه مهم تصمیم‌سازی برای تصمیم‌گیرندگان ارشد نظام، بهترین تصمیمات را با دید و نگرشی روشن از جهت‌گزینش و عمل به آن انتخاب کنند که این امر مستلزم ایجاد بسترهای لازم برای تجمیع نخبگان و تعامل سازنده با مجریان ارشد مسائل دریایی کشور است که می‌توان از آن با هر عنوانی که بتواند پاسخگوی مطالبات در حال افزایش جامعه دریایی کشور باشد، یاد کرد. بهتر است این بستر به عنوان کمیسیون یا کمیته‌ای عالی زیر نظر شخص ریاست جمهور ایجاد و به فعالیت مهم خود ادامه دهد، که این امر خود مبنای رسیدن به تشکیل وزارت دریاداری که می‌تواند آرزوی دیرین جامعه دریایی کشور را در ایفای نقش مناسب و در خور این جامعه در توسعه کشور محقق سازد، خواهد بود.

پی‌نوشت:

- ۱- اقتباس از برخی از بندها و زیربندهای سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری به ریاست جمهوری اسلامی ایران
- ۲- سیاوش دانیالی، حفظ ارزش‌های اساسی (جایگاه امنیت دریایی در امنیت ملی)، ماهنامه پیام دریا، بهمن ۱۳۸۷، صص ۴۲ و ۴۳
- ۳- علی‌اکبر رستمی، تهدیدات دریا پایه و قدرت دریایی ایران، سایت صبح صادق
- ۴- سیاوش دانیالی، پیشین، همان منبع

و گسترده کشورهای متعدد غربی (خاصه آمریکایی‌ها) است، ایجاب می‌کند که ۱) کشور و نیروهای مسلح به قدرت دریایی اهمیت و توجه فوق‌العاده‌ای مبذول کنند. ۲) نیروی دریایی ایران از فرصت‌های موجود، برای تقویت، توسعه و افزایش توانایی‌های عملیاتی خود، حداکثر استفاده را کند. ۳) پایش تهدید دشمن در ابعاد مختلف به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته و از اقدامات کوچک و بزرگ آنها غفلتی صورت نگیرد.^۲

نتیجه

یکی از پیچیده‌ترین مباحث در خصوص امنیت ملی، نقش مؤلفه‌های آن در حفظ و ارتقای منافع ملی و برعکس است. در حال حاضر دولت‌ها در شریایی به سر می‌برند که اگر نتوانند در مناطق تحت سیطره ملی و سرزمینی خود اعمال حاکمیت کنند و در دریای پرتلاطم روابط بین‌الملل حضور موفق داشته باشند، در درازمدت محکوم به انفعال و خروج از گردونه سیاست جهانی و از دست دادن زمینه‌های استقلال خود خواهند شد. بنابراین اگر سیاست خارجی را تابعی از قدرت ملی و منافع ملی را تابعی از امنیت ملی بدانیم، می‌توان به صراحت گفت که هر چه قدرت و اقتدار ملی پرننگ‌تر و وزین‌تر باشند، سیاست خارجی کشور نیز به همان اندازه مستحکم‌تر و شفاف‌تر و هر چه امنیت ملی کامل‌تر و جامع‌تر باشد منافع ملی نیز به همان اندازه محفوظ‌تر و ایمن‌تر است، بنابراین منافع حاصل از امنیت دریایی برای کشورهای دارای حاکمیت دریایی نیز در این راستا قابل ارزیابی و ملاحظه خواهد بود.^۴

یکی از فرصت‌های موجود برای ناوگان نظامی کشور، ناوگان غیرنظامی جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند مکمل خوبی برای ایفای بهتر نقش ناوگان نظامی در ایجاد و تثبیت امنیت دریایی باشد. در نتیجه ضمن توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری اسلامی ایران در هماهنگی همه جانبه تمامی ارکان